

**The Effectiveness of Shafiabady's
multiaxial pattern training on
entrepreneurial behavior of female
students in the third year of secondary
school (high school)**

**اثربخشی آموزش الگوی چند محوری بر رفتار
کار آفرینانه دانش آموزان دختر سال سوم مقطع
متوسطه دوم (دبیرستان)**

Samira Soltanianshirazi. M.A.

Academic member, University of Marvdasht, Iran

katrin fekri. Ph.D .

Academic member, University of Marvdasht, Iran

سمیرا سلطانیان شیرازی

دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مشاوره، واحد مروودشت،

دانشگاه آزاد اسلامی، مروودشت، ایران

دکتر کاترین فکری*

استادیار گروه مشاوره، واحد مروودشت، دانشگاه آزاد

اسلامی، مروودشت، ایران

Abstract

The purpose of this study was to examine the effectiveness of Shafiabady's multi-axial pattern of vocational choice training on the entrepreneurial behavior of female students in the third year of secondary school (high school) of Marvdasht city. The research methodology included two groups; post-test and pre-test quasi-experimental group and control group. The statistical population included all the students in the third year of Hajar Female High School in Marvdasht. Of all the 200 students who obtained less than 10 (below average) in Entrepreneurial Behavior Questionnaire (Fekri, Shafiabady, Nouranipoor, and Ahghar, 2012) 30 students were randomly selected and assigned to the two control and experimental groups. The experimental group received 8 sessions of 5/1 hours training based on multi-axial pattern training while the control group received no intervention. The post-test was conducted and data were analyzed by inferential statistics (analysis of covariance). The results showed that multi-axial pattern training have a positive and meaningful effect on entrepreneurial behavior and its dimensions such as decision-making, identify opportunities, structure determination, determination of sources and terms, and determination of objectives and strategies ($p < 0/05$).

Keywords: Shafiabady's multi-axial pattern training, entrepreneurial behavior, female students in the third year of secondary school (high school)

چکیده

هدف این پژوهش بررسی اثربخشی آموزش الگوی چند محوری انتخاب شغل شفیع آبادی بر رفتار کار آفرینانه دانش آموزان دختر سال سوم مقطع متوسطه دوم (دبیرستان) شهرستان مروودشت بود. روش پژوهش حاضر دو گروهی و به صورت نیمه آزمایشی با پیش آزمون و پس آزمون و گروه کنترل بوده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان سال سوم دبیرستان دخترانه هاجر شهرستان مروودشت بودند. از بین ۲۰۰ نفر دانش آموزانی که در پرسشنامه رفتار کار آفرینانه (فکری، شفیع آبادی، نورانی پور و احقر، ۱۳۹۱) نمره کمتر از ۱۰ (کمتر از میانگین) کسب کرده بودند به صورت تصادفی ۳۰ نفر انتخاب و به تصادف در دو گروه کنترل و آزمایش جایگزین شدند. گروه آزمایش ۸ جلسه ۱/۵ ساعته آموزش بر اساس الگوی چند محوری آموزش دریافت کردند و در گروه گواه مداخله ای صورت نگرفت. پس آزمون اجرا شد و داده‌ها با استفاده آمار استنباطی (تحلیل کوواریانس) تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که آموزش الگوی چند محوری بر رفتار کار آفرینانه و ابعاد آن (تصمیم گیری، شناخت فرصت‌ها، تعیین ساختار، تعیین منابع و شرایط و تعیین اهداف و راهبردها) تأثیر مثبت (معنی داری) ($p < 0/05$) دارند.

واژه‌های کلیدی: آموزش الگوی چند محوری شفیع آبادی، رفتار کار آفرینانه، دانش آموزان دختر سال سوم مقطع متوسطه دوم (دبیرستان)

*. نویسنده مسؤول: Katrin_fekri@miau.ac.ir

وصول: ۹۴/۰۱/۰۷ پذیرش: ۹۶/۰۶/۰۷

مقدمه

مؤثر در انتخاب شغل است به طوری که اگر شغلی نیازهای فرد را برآورده نسازد در شرایط عادی انتخاب نخواهد شد و در نهایت فرد باید در مسیر رشدی انتخاب شغل تصمیم بگیرد و شغلی را که با خویشتن‌پنداری خود همسوست و نیازهایش را برآورده می‌سازد برگزیند.

بوتا، نیمن و ورن (۲۰۰۶) در تحقیقی به ارزیابی برنامه آموزش کارآفرینی در زنان پرداختند که نتایج نشان داد که بین گروه آزمایش که تحت آموزش قرار گرفته بودند و گروه کنترل تفاوت معناداری وجود دارد و آموزش موجب افزایش کارآفرینی زنان شده است.

با یرون (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی اثربخشی آموزش نظریه یادگیری اجتماعی بندورا و خودکار آمدی کارآفرینانه بر توسعه آموزش کارآفرینی دانش‌آموختگان پرداخت و به این نتیجه رسید که هر دو در توسعه آموزش کارآفرینی بسیار مفید و اثربخش می‌باشند.

آموزش الگوی چند محوری شفیع‌آبادی اثربخشی خود را قبلاً در برخی پژوهش‌ها روی رفتار کارآفرینانه نشان داده است. برای مثال فکری، شفیع‌آبادی، نورانی پور و احقر (۱۳۹۲) در پژوهشی "اثربخشی آموزش مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری شفیع‌آبادی را روی رفتار کارآفرینانه دانشجویان" سنجیدند. نتایج این پژوهش نشان داد که الگوی چندمحوری شفیع‌آبادی موجب افزایش رفتار کارآفرینانه دانشجویان گردیده است.

فکری و شفیع‌آبادی (۲۰۱۳) در پژوهشی به "مقایسه اثربخشی آموزش مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری شفیع‌آبادی با نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر رفتار کارآفرینانه دانشجویان مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت" پرداختند. در این پژوهش ۲۴ نفر از دانشجویان داوطلب شرکت در کلاس‌های کارآفرینی که نمره کمتری در پرسشنامه رفتار کارآفرینانه گرفته بودند به تصادف انتخاب شدند و به دو گروه ۱۲ نفری تقسیم شدند. گروه آزمایش شماره ۱ هشت جلسه آموزش کارآفرینی بر اساس الگوی چند محوری شفیع‌آبادی و گروه آزمایش شماره ۲ هشت جلسه آموزش کارآفرینی بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز دریافت کردند و سپس دو گروه باهم مقایسه شدند نتایج نشان داد که: (۱). هر دو الگو بر نمره کل رفتار کارآفرینانه دانشجویان و خرده‌مقیاس‌های شناخت فرصت‌ها

نیروهای انسانی ارزشمندترین سرمایه سازان هستند که شکوفایی و توانمندی‌های آنان می‌تواند تأثیر شگرفی در چرخه فعالیت‌های یک کشور داشته باشد. بی‌گمان یکی از عواملی که امروزه می‌تواند چهره اقتصاد و صنعت یک کشور را دگرگون سازد کارآفرینی و فعالیت‌های کارآفرینانه است (مصحف، عابدی و بهرامی، ۱۳۸۴).

یکی از مسائلی که کمتر در مدارس به آن پرداخته می‌شود آموزش رفتار کارآفرینانه است و از آنجا که دومین پایگاه اجتماعی بعد از خانواده برای دانش‌آموزان مدرسه است بنابراین مدرسه نقش مهمی را در آموزش و پرورش کارآفرینی دارد زیرا عمده مسئله‌ای که بعد از فارغ‌التحصیلی ذهن آن‌ها را درگیر می‌کند انتخاب شغل و یافتن شغل مناسب است. لذا مدارس نقش مهمی در این زمینه دارند تا در زمان پایان تحصیلات و یادگیری رفتار کارآفرینانه راه و هدف مشخصی را برای ایده‌ها و ایجاد شغل مناسب داشته باشند.

مشاوره شغلی روش‌ها و اطلاعات مفیدی از توانایی‌ها، ویژگی‌ها، رغبت‌ها و خواسته‌های دانش‌آموزان را در اختیار آنان قرار می‌دهد، موجب افزایش انگیزش پیشرفت می‌گردد و نگرانی‌های منفی آنان را در باب آینده تحصیلی- شغلی کاهش می‌دهد (آقایی، جلالی و نظری، ۱۳۹۰).

مشاوران مدارس می‌توانند از نظریه‌های تخصصی مشاوره شغلی برای کمک به انتخاب شغل و آموزش کارآفرینی به‌عنوان یکی از شیوه‌های مناسب انتخاب شغل در عصر حاضر استفاده کنند. از آنجایی که مشاوره بدون شناخت کافی فرهنگ و آداب و رسوم جامعه امکان‌پذیر نیست کاربرد الگوهای بومی مشاوره همواره باید مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس الگوی بومی چند محوری شفیع‌آبادی (۱۳۹۲) انتخاب شغل فعالیتی پویا و هدفمند است که با توجه به نوع خویشتن‌پنداری میزان ارضای نیازها و توان تصمیم‌گیری در درون شیوه زندگی رخ می‌دهد. پویایی در انتخاب شغل مبین تحرک، تغییرپذیری، خلاقیت و شادابی است. خویشتن‌پنداری قضاوتی است که فرد در زمینه‌های موفقیت یا شکست، ارزش‌ها، توانایی‌ها یا ضعف‌ها، اهمیت و یا اعتبار یا بی‌اعتباری خود دارد. ارضای نیازهای اساسی از عوامل

در ایجاد رفتار کارآفرینانه دانش‌آموزان و همچنین با وجود کمبود پژوهش‌های موجود در این زمینه هدف پژوهش تبیین اثربخشی آموزش الگوی چند محوری بر رفتار کارآفرینانه دانش‌آموزان دختر بود و فرضیه‌های پژوهش عبارت بودند از:

فرضیه اصلی

۱. آموزش الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بر رفتار کارآفرینانه دانش‌آموزان دختر تأثیر معنادار دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱. آموزش الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بر تصمیم‌گیری کارآفرینی دانش‌آموزان دختر تأثیر معنادار دارد.

۲. آموزش الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بر شناخت فرصت‌های کارآفرینی دانش‌آموزان دختر تأثیر معنادار دارد.

۳. آموزش الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بر تعیین ساختار کارآفرینی دانش‌آموزان دختر تأثیر معنادار دارد.

۴. آموزش الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بر تأمین منابع کارآفرینی دانش‌آموزان دختر تأثیر معنادار دارد.

۵. آموزش الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بر تعیین راهبردها و استراتژی‌های کارآفرینی دانش‌آموزان دختر تأثیر معنادار دارد.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه

روش پژوهش نیمه آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دختر سال سوم مقطع متوسطه دوم (دبیرستان) می‌شدند (حجم جامعه آماری ۲۰۰ نفر بود که ابتدا کل نمونه به صورت سرشماری برای پاسخگویی به پرسشنامه انتخاب شدند) سپس پرسشنامه رفتار کارآفرینانه فکری، شفیع‌آبادی، نورانی پور و احقر (۱۳۹۱) روی دانش‌آموزان اجرا شد و از بین کسانی که نمره کمتر از ۱۰ (یک انحراف معیار کمتر از میانگین) کسب کرده بودند به صورت تصادفی ۳۰ نفر انتخاب و به تصادف در دو گروه گواه و آزمایش جایگزین شدند.

و تعیین راهبردهای کارآفرینی تأثیر مثبت داشته‌اند و اثربخشی الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بیشتر بوده است؛ (۲). هر دو الگو بر خرده‌مقیاس تصمیم‌گیری برای کارآفرینی تأثیر مثبت داشته‌اند اما تفاوت معنادار نبوده است؛ (۳). الگوی چند محوری بر خرده‌مقیاس تعیین ساختار کارآفرینی تأثیر مثبت داشته است، (۴). نظریه یادگیری اجتماعی بر خرده‌مقیاس تأمین منابع کارآفرینی تأثیر مثبت داشته است؛ بنابراین یک الگوی تلفیقی از الگوی چند محوری و نظریه یادگیری اجتماعی بر مبنای نتایج به دست آمده برای آموزش رفتار کارآفرینانه و خرده‌مقیاس‌های طراحی شد.

طاهری (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی اثربخشی آموزش مشاوره شغلی مبتنی بر الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بر رفتار کارآفرینانه دانش‌آموزان پسر سال سوم دبیرستان بوعلی ناحیه ۱ شیراز پرداخت. روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پسر سوم دبیرستان بوعلی ناحیه ۱ شیراز در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بودند. نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت تصادفی انجام شد. به این صورت که پس از اجرای پرسشنامه رفتار کارآفرینانه فکری، شفیع‌آبادی، نورانی پور و احقر (۱۳۹۱) از بین دانش‌آموزانی که نمره کمتری در پرسشنامه گرفتند ۴۰ نفر به تصادف انتخاب و به تصادف در دو گروه آزمایش و گواه ۲۰ نفره جایگزین شدند. سپس گروه آزمایش ۸ جلسه ۱/۵ ساعته آموزش رفتار کارآفرینانه بر اساس الگوی چند محوری شفیع‌آبادی دریافت کردند و در گروه گواه مداخله‌ای صورت نگرفت. نتایج نشان داد که بین رفتار کارآفرینانه (خرده‌مقیاس‌های تصمیم‌گیری، شناخت فرصت‌ها، تعیین ساختار، تأمین منابع و تعیین اهداف و راهبردها) دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد؛ یعنی الگوی چند محوری شفیع‌آبادی موجب افزایش رفتار کارآفرینانه دانش‌آموزان پسر سوم دبیرستان شده است.

تاکنون پژوهشی در زمینه اثربخشی آموزش الگوی بومی چند محوری روی رفتار کارآفرینانه دانش‌آموزان دختر انجام نشده است. از آنجا که در دنیای صنعتی امروز اکثر زنان شاغل‌اند و کارآفرینی می‌تواند نقش مهمی در اشتغال زنان همچون مردان داشته باشد؛ بنابراین، با توجه به نقش مدارس

ابزار سنجش

متخصصان تأیید شده، روایی سازه از طریق تحلیل عوامل مورد بررسی قرار گرفته و روایی ملاکی از طریق مقایسه نمرات افراد عادی با کارآفرینان مناسب ارزیابی شده بود و اعتبارش نیز با اجرا روی ۵۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران از راه ضریب الفای کرانباخ ۰/۹۰ / محاسبه گردیده بود (ضریب آلفا پرسشنامه برای خرده‌مقیاس‌های تصمیم‌گیری، شناخت فرصت‌ها، تعیین ساختار، تأمین منابع و تعیین راهبردها و استراتژی‌ها به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۶، ۰/۷۷، ۰/۷۷ و ۰/۸۵ به دست آمد) (فکری، شفیع‌آبادی، نورانی پور و احقر، ۱۳۹۱). اعتبار این پرسشنامه در این پژوهش از طریق محاسبه ضریب الفای کرانباخ ۰/۸۶ به دست آمد.

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

بعد از جایگزینی تصادفی افراد در گروه‌ها گروه آزمایش ۸ جلسه ۱/۵ ساعته آموزش بر اساس الگوی چند محوری شفیع‌آبادی دریافت کردند و در گروه گواه مداخله‌ای صورت نگرفت. پس‌آزمون اجرا شد و داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شدند.

پرسشنامه رفتار کارآفرینانه فکری، شفیع‌آبادی، نورانی‌پور و احقر (۱۳۹۱) حاوی ۲۰ سؤال با ۵ خرده‌مقیاس و دو گزینه بله و خیر است که آزمودنی‌ها به ازای پاسخ به گزینه بله نمره ۱ و به ازای پاسخ به گزینه خیر نمره صفر می‌گیرند. حداقل نمره کل پرسشنامه صفر و حداکثر ۲۰ است و نقطه برش ۱۰ است. خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه عبارتند از: خرده‌مقیاس تصمیم‌گیری سؤالات ۴-۱ (با سؤالاتی مثل احساس نیاز می‌کنم تا شغل جدیدی را ایجاد کنم)، خرده‌مقیاس شناخت فرصت‌ها سؤالات ۸-۵ (با سؤالاتی مثل نیازهای بازار کار را برای ایجاد شغل جدید شناسایی کردم)، خرده‌مقیاس تعیین ساختار سؤال سؤالات ۹ و ۱۰ (با سؤالاتی مثل در مورد میزان اختیاراتم در شغل جدیدی که ایجاد می‌کنم اندیشیده‌ام)، خرده‌مقیاس تأمین منابع و شرایط سؤالات ۱۱-۱۵ (با سؤالاتی مثل منابع مالی مورد نیاز برای ایجاد شغل جدید را فراهم آورده‌ام) و خرده‌مقیاس تعیین اهداف و راهبردها سؤالات ۲۰-۱۶ (با سؤالاتی مثل برای رفع مشکلات پیش‌بینی شده برای ایجاد شغل جدید به راه‌حلی‌هایی اندیشیده‌ام) روایی محتوایی پرسشنامه توسط

خلاصه جلسات آموزشی (فکری، شفیع‌آبادی، ۲۰۱۳)

شماره جلسه	سرفصل	هدف
جلسه اول	آشنایی و بیان کلیات	آشنایی اعضا با یکدیگر و قوانین گروه، مقدمه‌گویی درباره اهمیت و ضرورت کارآفرینی و آشنایی با رفتارهای کارآفرینانه.
جلسه دوم	آشنایی با الگوی چند محوری شفیع‌آبادی	آشنایی با نقش نظریه‌های مشاوره شغلی در آموزش کارآفرینی و آشنایی با الگوی چند محوری شفیع‌آبادی.
جلسه سوم	پویایی	آشنایی اعضا با مفهوم پویایی و پویایی شغلی، کمک به اعضا برای شناخت فرصت‌های کارآفرینی بر اساس محور پویایی.
جلسه چهارم	هدفمندی	آشنایی اعضا با مفهوم هدف و هدفمندی انتخاب شغل، کمک به اعضا برای تصمیم‌گیری درباره کارآفرینی و مشخص کردن ساختار کارآفرینی
جلسه پنجم	خویشتن‌پنداری	آشنا نمودن اعضا با تعریف خویشتن‌پنداری، کمک به تقویت خویشتن‌پنداری شغلی مثبت اعضا و کمک به تقویت تصمیم‌گیری کارآفرینی
جلسه ششم	نیازها	بررسی تعریف نیاز و آشنایی با انواع نیازهای شغلی، شناخت فرصت‌ها بر اساس توجه به نیازها و بررسی راهکارهای تأمین منابع کارآفرینی بر اساس شناخت نیازها
جلسه هفتم	تصمیم‌گیری	معرفی مراحل تصمیم‌گیری شغلی الگوی چند محوری شفیع‌آبادی، کمک به اعضا برای آشنایی با مهارت تفکر خلاق و تفکر انتقادی و بررسی راهبردها و استراتژی‌های کارآفرینی بر اساس آن
جلسه هشتم	جمع‌بندی و مرور مطالب	کمک به اعضا برای رفع اشکالات و تکمیل طرح کارآفرینی

یافته‌ها

همچنین به علت جلوگیری از اثر مخرب پیش‌آزمون بر پس‌آزمون با استفاده از آزمون کوواریانس چند متغیره (تجزیه و تحلیل شد).

در این بخش فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه آموزش الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بر رفتار کارآفرینانه دانش‌آموزان دختر تأثیر معنادار دارد به علت فاصله‌ای بودن داده‌ها، وجود پیش‌آزمون و پس‌آزمون و دو گروه آزمایش و کنترل و

جدول ۱. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرها	کولموگروف اسمیرنف Z	سطح معناداری
نمره کلی رفتار کارآفرینانه	۱/۰۹	۰/۱۷۹
خرده‌مقیاس تصمیم‌گیری	۱/۰۶	۰/۲۰۳
خرده‌مقیاس شناخت فرصت‌ها	۱/۱۷	۰/۱۲۵
خرده‌مقیاس تعیین ساختار	۱/۲۸	۰/۰۷۲
خرده‌مقیاس تعیین منابع و شرایط	۱/۱۱	۰/۱۶۳
خرده‌مقیاس تعیین اهداف و راهبردها	۱/۱۰	۰/۱۷۱

متغیرهای وابسته نرمال بوده است (۰/۲۰۳ و ۰/۱۲۵ و ۰/۰۷۲ و ۰/۱۶۳ و ۰/۱۷۱ < ۰/۰۵).

برای بررسی همسانی واریانس‌ها از نتایج آزمون اف لوین استفاده شد که سطح معناداری f از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است لذا می‌توان از تحلیل کوواریانس برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها استفاده کرد.

نتایج آزمون نرمالیت کولموگروف-اسمیرنف، بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. به استناد سطوح معناداری محاسبه شده برای کلیه متغیرهای وابسته پژوهش که از خطای ۰/۰۵ بزرگ‌ترند لذا نرمالیت رد نشده است و می‌توان نتیجه گرفت نمره‌های

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس اثرات بین آزمودنی‌ها در خصوص نمره رفتار کارآفرینانه

متغیرهای وابسته	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی df	میانگین مجذورات	آماره آزمون F	سطح معناداری (sig)	Eta (تا)	توان آماری
اثر متغیر مستقل رفتار	اثر متغیر مستقل	۲۹۹/۱۴	۱	۲۹۹/۱۴	۶۱/۴۶	۰/۰۰	۰/۶۹	۱
کارآفرینانه پیش‌آزمون	اثر	۲۱۶/۷۷	۱	۲۱۶/۷۷	۴۴/۵۱	۰/۰۰		

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد آموزش مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری شفیع‌آبادی توانسته است بر رفتار کارآفرینانه دانش‌آموزان تأثیر معنادار داشته باشد.

میزان این تأثیر بنا به ستون مجذور اتا ۶۹ درصد است. بنابراین فرضیه اصلی (شماره ۱) پژوهش تأیید شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس اثرات بین آزمودنی‌ها در خصوص نمره تصمیم‌گیری کارآفرینی

متغیرهای وابسته	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی df	میانگین مجذورات	آماره آزمون F	سطح معناداری (sig)	Eta (تا)	توان آماری
اثر متغیر مستقل تصمیم‌گیری	اثر متغیر مستقل	۷/۵	۱	۷/۵	۱۱/۹۱	۰/۰۰	۰/۳۱	۱
کارآفرینی پیش‌آزمون	اثر	۲۲/۸۸	۱	۲۲/۸۸	۳۶/۳۲	۰/۰۰		

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد آموزش مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری شفیع‌آبادی توانسته است بر تصمیم‌گیری کارآفرینی دانش‌آموزان تأثیر معنادار داشته باشد. میزان این تأثیر بنا به ستون اتا ۳۱ درصد است بنابراین فرضیه فرعی (شماره ۱) پژوهش تأیید شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس اثرات بین آزمودنی‌ها در خصوص نمره شناخت فرصت‌های کارآفرینی

متغیرهای وابسته	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی df	میانگین مجذورات	آماره F آزمون	سطح معناداری (sig)	Eta (تا)	توان آماری
شناخت فرصت‌های کارآفرینی	اثر متغیر مستقل	۷/۴۶	۱	۷/۴۶	۲۵/۶۱	۰/۰۰	۰/۴۹	۰/۹۹
	اثر پیش‌آزمون	۹/۶۰	۱	۹/۶۰	۳۲/۹۶	۰/۰۰		

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد آموزش مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری شفیع‌آبادی توانسته است بر شناخت فرصت‌های کارآفرینی دانش‌آموزان تأثیر معنادار داشته باشد. میزان این تأثیر بنا به ستون اتا ۴۹ درصد است بنابراین فرضیه فرعی (شماره ۲) پژوهش تأیید شده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس اثرات بین آزمودنی‌ها در خصوص نمره تعیین ساختار کارآفرینی

متغیرهای وابسته	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی df	میانگین مجذورات	آماره F آزمون	سطح معناداری (sig)	Eta (تا)	توان آماری
تعیین ساختار کارآفرینی	اثر متغیر مستقل	۵/۲۱	۱	۵/۲۱	۲۰/۲۹	۰/۰۰	۰/۴۳	۰/۹۹
	اثر پیش‌آزمون	۴/۹۰	۱	۴/۹۰	۱۹/۰۱	۰/۰۰		

همان‌طور که جدول ۵ نشان می‌دهد آموزش مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری شفیع‌آبادی توانسته است بر تعیین ساختار کارآفرینی دانش‌آموزان تأثیر معنادار داشته باشد. میزان این تأثیر بنا به ستون اتا ۴۳ درصد است لذا فرضیه فرعی (شماره ۳) پژوهش تأیید شده است.

جدول ۶. نتایج تحلیل کوواریانس اثرات بین آزمودنی‌ها در خصوص نمره تأمین منابع کارآفرینی

متغیرهای وابسته	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی df	میانگین مجذورات	آماره F آزمون	سطح معناداری (sig)	Eta (تا)	توان آماری
تأمین منابع کارآفرینی	اثر متغیر مستقل	۱۳/۳۳	۱	۱۳/۳۳	۱۱/۳۷	۰/۰۰	۰/۳۰	۰/۹۰
	اثر پیش‌آزمون	۵/۶۸	۱	۵/۶۸	۴/۸۷	۰/۰۴		

همان‌طور که جدول ۶ نشان می‌دهد آموزش مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری شفیع‌آبادی توانسته است بر تأمین منابع کارآفرینی دانش‌آموزان تأثیر معنادار داشته باشد. میزان این تأثیر بنا به ستون اتا ۳۰ درصد است بنابراین فرضیه فرعی (شماره ۴) تأیید شده است.

جدول ۷. نتایج تحلیل کوواریانس اثرات بین آزمودنی‌ها در خصوص نمره تعیین اهداف و استراتژی‌ها کارآفرینی

متغیرهای وابسته	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی df	میانگین مجذورات	آماره F آزمون	سطح معناداری (sig)	Eta (تا)	توان آماری
تعیین اهداف و استراتژی‌های کارآفرینی	اثر متغیر مستقل	۳۲/۰۳	۱	۳۲/۰۳	۳۹/۷۲	۰/۰۰	۰/۶۰	۱
	اثر پیش‌آزمون	۲۵/۱۶	۱	۲۵/۱۶	۳۱/۱۹	۰/۰۰		

همان‌طور که جدول ۷ نشان می‌دهد آموزش مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری شفیع‌آبادی توانسته است بر تعیین اهداف و استراتژی‌ها کارآفرینی دانش‌آموزان تأثیر معنادار داشته باشد. میزان این تأثیر بنا به ستون اتا ۶۰ درصد است لذا فرضیه فرعی (شماره ۵) پژوهش تأیید شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی اثربخشی آموزش الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بر رفتار کارآفرینانه دانش‌آموزان دختر بود که با توجه به نتایج به دست آمده آموزش الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بر ابعاد رفتار کارآفرینانه دانش‌آموزان تأثیر مثبت معناداری دارد. این تأثیر به ترتیب در خرده‌مقیاس‌های تعیین اهداف و استراتژی‌ها، شناخت فرصت‌ها، تعیین ساختار، تصمیم‌گیری و تأمین منابع، ۶۰، ۴۹، ۴۳، ۳۱ و ۳۰ درصد بوده است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش فکری، شفیع‌آبادی، نورانی پور و احقر (۱۳۹۲)، طاهری (۱۳۹۳) در تمام ابعاد و با پژوهش فکری و شفیع‌آبادی (۲۰۱۳) در تمام خرده‌مقیاس‌ها غیر از تأمین منابع همخوان است.

علت اثربخشی آموزش الگوی چند محوری شفیع‌آبادی را بر رفتار کارآفرینانه دانش‌آموزان می‌توان به مفاهیم بنیادی آن شامل پویایی، هدفمندی، خویشتن‌پنداری، نیازها و تصمیم‌گیری نسبت داد. پویایی در الگوی چند محوری به معنای خلاقیت، به‌روز بودن و تحرک است. هدفمندی و برنامه‌ریزی برای انتخاب شغل موجب کاهش احساس

حقارت می‌شود. خویشتن‌پنداری تصور و پندار هر فرد درباره ویژگی‌های خود است که تحت تأثیر والدین، همسالان و کارکنان مدرسه قرار دارد. نیازها شامل سه نیاز جسمانی فراوانی و اجتماعی هستند. نیازهای جسمانی نیاز به درآمد است و نیاز روانی مواردی مثل احساس امنیت و موفقیت را شامل می‌شود و نیازهای اجتماعی بیانگر نیاز به مفید بودن و ارتباط با دیگران است. تصمیم‌گیری شامل مراحل کنجکاوی، پرسش سؤال، جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل اطلاعات و تلفیق نتایج و تصمیم‌گیری است که نیازمند نیروی خلاق است (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین پویایی باعث ایجاد خلاقیت، تحرک و جهت‌گیری فرد برای خلق آینده شغلی مناسب است. نوجوانان با توجه به دنیای مدرن امروزی و رشد فناوری اطلاعات فرصت‌های بیشتری به‌منظور به‌روزرسانی اطلاعات خود در مورد مشاغل مختلف دارند بنابراین با فعال کردن محور پویایی می‌توان آن را برای شناسایی فرصت‌های کارآفرینی یاری کرد زیرا محور پویایی و تحرک و به‌روز بودن باعث می‌شود که دانش‌آموزان اطلاعات شغلی‌شان را مدام به‌روز کنند و بهتر بتوانند نیازهای جامعه را بشناسند و فرصت شناسی نمایند که الآن جامعه به چه کارآفرینی نیاز دارد و چه طرح کارآفرینانه‌ای می‌تواند مورد استقبال مردم قرار گیرد. هدفمندی به معنای داشتن طرح و برنامه و رهایی از احساس حقارت و رسیدن به استقلال از طریق شغل است لذا می‌توان از آن برای شناخت ضرورت کارآفرینی برای رهایی از بیکاری و احساس حقارت ناشی از آن و همچنین تعیین ساختار

درباره نیازها ذهن فرد را متوجه نیازهای مالی برای راه‌اندازی کسب‌وکار می‌کند و به تبع آن فرد به دنبال راه‌های تأمین منابع مالی می‌گردد. همچنین توجه به نیازهای روانی از جمله موفقیت و آرامش و نیازهای اجتماعی از جمله برقراری ارتباط با دیگران و مفید بودن باعث می‌شود تا یک کارآفرین به دنبال منابع انسانی لازم برای تأمین هرچه بهتر این دو نیاز در راستای راه‌اندازی کارآفرینی باشد. تصمیم‌گیری به معنای شناسایی مسئله، مشخص کردن راهکارها، تحلیل راهکارها، تلفیق راه‌حل‌ها و در نهایت انتخاب راهکار مناسب است لذا از طریق آن می‌توان راهبردهای و استراتژی‌های مناسب برای کارآفرینی را تدوین کرد؛ زیرا وقتی فردی تصمیم گرفت کارآفرین شود در مسیر این کارآفرینی با چالش‌های مختلفی روبروست و باید راهبردها و استراتژی‌های مناسب را برای روبرویی با این چالش‌ها تدوین کند بنابراین باید بتواند تصمیم‌گیری سریع و مناسب داشته باشد بنابراین وقتی فردی شیوه‌های صحیح تصمیم‌گیری را می‌آموزد بهتر می‌تواند اهداف و استراتژی‌های لازم برای کارآفرینی را طرح‌ریزی کند و همین علت باعث افزایش نمره بعد تعیین اهداف و استراتژی‌های رفتار کارآفرینانه شده است. علت تأثیر بیشتر الگوی چند محوری را به ترتیب بر ابعاد تعیین اهداف و استراتژی‌ها، شناخت فرصت‌ها و تعیین ساختار نسبت به تأمین منابع و تصمیم‌گیری می‌توان به ماهیت ابعاد الگوی چند محوری و ویژگی‌های نمونه آماری نسبت داد. به عبارتی تصمیم‌گیری یکی از مهم‌ترین ابعاد الگوی چند محوری است که رکن اصلی هر تصمیم‌گیری به حساب می‌آید لذا وقتی مهارت تصمیم‌گیری به دانش‌آموزان آموخته می‌شود می‌تواند برای مواجهه با اهداف و استراتژی‌های کارآفرینی برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشند زیرا مهارت میزان تبحری است که یک فرد برای انجام موفقیت‌آمیز یک کار با تکرار و تمرین کسب کرده و چون از بعد تصمیم‌گیری برای آموزش راهبردها و استراتژی‌های کارآفرینی بهره گرفته شده دلیل تأثیر بیشتر این الگو بر بعد راهبردها و استراتژی‌ها به دلیل افزایش مهارت تصمیم‌گیری دانش‌آموزان قابل توضیح است. شناخت فرصت‌ها بدین خاطر نمره بالایی کسب کرده و در مرتبه دوم اهمیت جای گرفته که تحت تأثیر آموزش دو محور پویایی و نیازها است تا دانش‌آموزان بتوانند فرصت‌های کارآفرینی را بهتر شناسایی کنند لیکن پویا بودن

کارآفرینی (فردی یا شراکتی بودن و میزان اختیارات) از طریق برنامه‌ریزی بهره‌گرفت؛ زیرا وقتی صحبت از برنامه‌ریزی برای ایجاد کاری می‌شود اول از همه باید ساختار آن کار را مشخص کرد و یکی از اجزای مهم تعیین ساختار موقع کارآفرینی طبق مراحل ذکر شده برای کارآفرینی در کتب مربوطه تعیین فردی یا شراکتی بودن کارآفرینی و میزان سهم کارآفرین در راه‌اندازی کسب‌وکار است. یکی از محورهای جالب توجه این الگو بحث خویش پنداری است. از آنجا که در این طرح نمونه آماری دانش‌آموزان نوجوان است و در این گروه سنی افراد بیشتر تحت تأثیر قضاوت‌های مثبت و منفی دیگران درباره خود قرار می‌گیرند و این قضاوت‌ها بر رفتار آنان اثر می‌گذارد با شناسایی و تقویت نقاط مثبت افراد می‌توان باعث بروز رفتار مثبت و تقویت اعتماد به نفس در آنان شد و از این طریق آنان را برای تصمیم‌گیری در زمینه کارآفرینی و برای رهایی از بیکاری و احساس حقارت ناشی از آن و همچنین تعیین ساختار کارآفرینی (فردی یا شراکتی بودن و میزان اختیارات) از طریق برنامه‌ریزی بهره‌گرفت. به عبارتی استعداد و توانایی ذاتی فرد برای راه‌اندازی کسب‌وکار برای کارآفرینی کافی نیست چه بسا افراد بسیاری که در زمینه‌ای خاص استعداد دارند اما کارآفرین نیستند چون خود را باور ندارند لذا خویش پنداری نقش مهمی در تصمیم‌گیری فرد برای کارآفرین شدن دارند و با تقویت خویش پنداری مثبت فرد در زمینه‌هایی که استعداد دارد اما به دلایلی علیرغم استعدادش به خودباوری کافی دست نیافته است می‌توان به تصمیم‌گیری بهتر او برای راه‌اندازی کسب‌وکار جدید کمک کرد. نیازها به معنای نیازهای جسمی، روانی و اجتماعی است لذا از این محور می‌توان برای کمک به افراد برای شناسایی فرصت‌ها و همچنین منابع مالی و انسانی لازم برای کارآفرینی استفاده کرد. در واقع وقتی دانش‌آموزان با انواع نیازهای مؤثر بر اشتغال آشنا می‌شوند می‌توانند هم به نیازهای خودشان هم دیگران توجه کنند و اولین نتیجه مهم توجه به نیازهای دیگران شناخت فرصت‌های کارآفرینی است یعنی شناخت فرصت‌ها محصول تشخیص نیازهای مردم به کالا یا خدمات جدید است و فرد را متوجه می‌کند که در چه زمینه‌ای می‌تواند کسب‌وکار جدیدی را راه‌اندازی کند. از طرفی سه محور مورد تأکید الگوی چند محوری

یکی از پیشنهادها کاربردی این پژوهش با توجه به اثربخشی آموزش الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بر رفتار کارآفرینانه دانش‌آموزان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی این الگو برای آموزش رفتار کارآفرینانه دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی و گنجاندن آن در برنامه درسی است.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش عدم تعمیم‌دهی نتایج به سایر اقشار جامعه است زیرا این پژوهش فقط بر روی دانش‌آموزان دختر سال سوم مقطع متوسطه دوم (دبیرستان) انجام شده است.

سپاسگزاری

این مقاله حاصل یافته‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت است بدین وسیله از زحمات مسئولین محترم دانشگاه تقدیر و تشکر می‌شود.

منابع

آقایی، آ؛ جلالی، د؛ و نظری، ف. (۱۳۹۰). "تأثیر مشاوره شغلی گروهی به روش یادگیری کرامبولتز بر انگیزش پیشرفت، انگیزش تحصیلی، نگرانی‌های آینده تحصیلی - شغلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال اول دبیرستان، مجله مطالعات و یادگیری، شماره ۶، ۲۶-۱.

شفیع‌آبادی، ع. (۱۳۹۲). راهنمایی و مشاوره شغلی و نظریه‌های انتخاب شغل، تهران: رشد، چاپ دوم.

طاهری، ع. (۱۳۹۳). اثربخشی مشاوره شغلی مبتنی بر الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بر رفتار کارآفرینانه دانش‌آموزان پسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

فکری، ک؛ شفیع‌آبادی، ع؛ نورانی‌پور، رحمت‌الله. واحقر، قدسی. (۱۳۹۱). ساخت و اعتباریابی پرسشنامه رفتار کارآفرینانه برای مشاوره شغلی، فصلنامه پژوهش‌ها روان‌شناسی و بالینی و مشاوره، (۱)۲، ۱۶۴-۱۵۳.

فکری، ک؛ شفیع‌آبادی، ع نورانی‌پور، ر. و احقر، ق. (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی دو دیدگاه مشاوره شغلی بر رفتار کارآفرینانه، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، (۱)۴، ۲۲-۱۹.

مختاری، ز. (۱۳۸۵). جوان و انتخاب شغل، دو ماهنامه حدیث زندگی، شماره ۳۰، ۵۹-۵۷.

یک تغییر رفتار و شناخت نیازها مبتنی برافزایش آگاهی است و به اندازه آموختن یک مهارت قدرت تغییر رفتار را ندارند به همین خاطر شناخت فرصت‌ها ضمن داشتن نمره بالا در مرتبه دوم قرار گرفته است. بعد تعیین ساختار تحت تأثیر هدفمندی و برنامه‌ریزی است و چون برنامه‌ریزی هم یک مهارت است مثل تعیین راهبردها به نظر می‌رسد باید نمره بالایی بگیرد ولی علت قرار گرفتنش را در رتبه سوم را می‌توان به ویژگی نمونه آماری نسبت داد که دانش‌آموز بودند و لذا علیرغم اثربخش بودن آموزش‌ها هنوز خود را در مرحله واقعی کارآفرینی تصور نمی‌کردند لذا همین امر موجب کاهش اثربخشی آموزش‌های مبتنی بر الگوی چندمحوری بر بعد تعیین ساختار، تصمیم‌گیری و تأمین منابع کارآفرینی نسبت به دو بعد شناخت فرصت‌ها و تعیین راهبردها بوده است. از سویی میزان تأثیرپذیری بعد تصمیم‌گیری و تأمین منابع از آموزش‌های ارائه شده نسبتاً مشابه بوده است که علتش را علاوه بر ویژگی‌های نمونه آماری که توضیح داده شد می‌توان در ارتباط این دو بعد از دید عموم مردم جستجو کرد. به عبارتی در دیدگاه عموم مردم تا سرمایه کارآفرینی فراهم نباشد تصمیم‌گیری برای کارآفرینی بیهوده است لذا چون دانش‌آموزان شیوه‌های تأمین منابع را با آموزش بعد نیازها بررسی کرده بودند اما هنوز کلیه منابع لازم را عملاً جمع‌آوری نکرده بودند در بعد تصمیم‌گیری هم نمره کمتری دریافت کردند

علت عدم همخوانی با تحقیق فکری و شفیع‌آبادی (۲۰۱۳) در بعد تأمین منابع را می‌توان به شهر محل سکونت شرکت‌کنندگان نسبت داد زیرا همان‌طور که گفته شد در الگوی چند محوری از طریق محور نیازها فرد به شناسایی منابع ضروری کارآفرینی و نحوه برآورده کردن آن‌ها می‌پردازد در تحقیق فکری و شفیع‌آبادی (۲۰۱۳) دانشجویانی از شهرهای مختلف شرکت داشتند بنابراین نیازهای آنان برای راه‌اندازی کارآفرینی متفاوت بود لذا تجارب مشترک کمتری برای در میان گذاشتن و نتیجه گرفتن با هم‌گروهی‌هایشان در زمینه تأمین منابع کارآفرینی داشتند درحالی‌که در تحقیق حاضر همه شرکت‌کنندگان ساکن مرودشت بودند و تجارب مشترک بیشتری برای داشتن نیازهای مشترک و نحوه تأمین نیازها داشتند.

مصحف، ه؛ عابدی، م.ر؛ بهرامی، فاطمه. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر مشاوره شغلی به شیوه‌ای نگره‌ی یادگیری اجتماعی و شغل گزینی کرامبولتز بر تغییر نگرش کارآفرینانه در دانشجویان اصفهان، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)، ۴، ۴۹-۶۶.

Bota, M., Neiman, G. & Vuuren, J. (2006). Evaluating the woman entrepreneurship training programme: South Africa study, *The international Indigenous Journal of Entrepreneurship, Advancement, Strategy and Education, online Edition*, 2, 1-15.

Bayron, C. (2013). Social cognitive theory, entrepreneurial self-efficacy and entrepreneurial intentions: Tools to maximize the effectiveness of formal entrepreneurship education and address the decline in entrepreneurial activity. *social Cognitive Theory*, 6(1), 66-77.

Fekri, k., & Shafiabady, A. (2013-A). Compilation of Multi-axial Model and Social Learning Theory At Entrepreneurship Education. *Advances in Biology*, 7(8), 2013-2019.